

## رمان "انقلاب و کیک توت فرنگی"

جمشید فاروقی

داستان در دو سطح و با دو روایت جریان دارد. نخست روایتی است از شش روز زندگی چهار مهاجر ایرانی. شش روز از ماه ژانویه سال ۲۰۱۸ در آلمان. چهار مهاجری که به دلایل سیاسی ناگزیر به ترک زادگاه خود شده و اکنون سی و اندی سال پس از مهاجرت با چالش تعریف خود در بافت جدید زندگی روبه‌رو شده‌اند. روایت نخست نگاهی است گذرا به فراز و فرودهای زندگی این چهار مهاجر.

روایت دوم داستان نگاهی دارد به مشکلات عمومی برخاسته از زندگی در مهاجرت. سخن از مفهومی‌هایی همچون هویت، تنهایی، عشق، تخیل و توهم در این روایت دوم به میان می‌آیند. کتاب در روایت دوم، نگاهی است فلسفی و روان‌شناسانه به نیاز بازتعریف خود و زندگی. در این روایت دوم، نقش زمان و مکان در سرنوشت انسان پی گرفته می‌شود. الیاف گذشته و آینده در هم گره می‌خورند.

کتاب برای پر کردن لحظات تهی از مضمون، برای گذران وقت نوشته نشده و نویسنده در پی آن نبوده تا مخاطب را سرگرم کند. کتاب با این هدف نوشته شده است که خواننده را درگیر خود کند. درگیر پرسش‌هایی که زندگی در برابر هر یک از ما می‌نهد و ما گاهی با پناه بردن به خوش‌خیالی‌های برخاسته از رویکردی سطحی می‌کوشیم خود را از ترکش‌های چنین پرسش‌هایی برهانیم.

ناشر کتاب "نشر فروغ" در شهر کلن است. امکان سفارش آنلاین کتاب:

<http://ketab-online.net/fa/>

یا از طریق تماس با آدرس ایمیل کتاب‌فروشی فروغ

**Forough Verlag & Buchhandlung**

Jahnstr. 24

50676 Köln

Tel.: 0221/9235707

[foroughbook@gmail.com](mailto:foroughbook@gmail.com)

<http://ketab-online.net/fa/خانه/645-انقلاب-و-کیک-توت-فرنگی.html?fbclid=IwAR3QAwEMKUvJUupFKs-1ZsyHrL60ZhW2nbqOV-h5W6whn1D6JWhwFAs9DIYQ>

بخشی از رمان:

«کامران به آیدا گفته بود که توهم و تخیل هر دو ریشه در فاصله گرفتن از واقعیت دارند، فاصله گرفتن از این واقع‌بینی اسارت‌بار. فاصله گرفتن از دود سیاهی که مانع از دیدن آدم می‌شود. از اینکه هر کس در این فضای دودآلود مدعی آن می‌شود که قادر به دیدن آن چیزهایی شده است که از نگاه دیگران به دور مانده است. اما تخیل و توهم گرچه ریشه مشترکی دارند، گرچه هر دو در اثر فاصله گرفتن از واقعیت شکل می‌گیرند، اما با یکدیگر تفاوت دارند. تخیل از واقعیت فاصله می‌گیرد، تا چیزی بیافریند و توهم از واقعیت فاصله می‌گیرد تا چیزی را ویران کند. حتی اگر آن فرد متوهم به توان ویرانگری نهفته در اندیشه و عمل خود آگاهی نداشته باشد. آگاه نبودن از آن توهمی که مثل خوره به جان آدم می‌افتد و روح و جان او را از خود پُر می‌کند، ویژگی همه‌ی آدم‌های متوهم است.»

«می‌دانی سرنوشت آن تخیل کودکانه در بزرگسالان چیست؟ اگر بزرگسالان نتوانند آن تخیل را یا دستکم بخشی از آن را نجات بدهند، همان تخیل کودکانه جای خودش را به توهم می‌دهد. اگر تخیل منبع آفرینش و خلاقیت بشر باشد و باعث پیشرفت بشر بشود، توهم سرچشمه ویرانی و ویرانگری بشر است. هم می‌تواند به خود آدم آسیب برساند و هم می‌تواند به دیگران و حتی به جامعه و جهان لطمه بزند. نخبگان هنر و علم معمولاً کسانی هستند که موفق شده‌اند، بخشی از آن تخیل کودکانه را حفظ کنند. کسی که در واقعیت زندگی می‌کند، نمی‌تواند واقعیت را تغییر بدهد. تخیل و توهم هر دو جهان واقعی را تغییر می‌دهند. پیکاسو و استیو جابز توانستند بر بستر تخیل خود چیزی به جهان واقعی اضافه کنند و کسی مثل ترامپ با توهم خود می‌خواهد جهان خود و جهان دیگری را نابود کند.»